

آواز زنان از پستوهای مجازی سر بر آورده است؛

خوانندگان محک نخورده، اما توانمند



بینا یاری

کنج خلوت پستوی خانه ها بودند و تنها با تنهایی خویش زمزمه می کردند و مجالی برای شنیدن صدایشان نداشتند اکنون در فضای مجازی صدای خویش را رها کرده اند و در هزارتوی این دنیای مجازی پستوهای پر آوازی ساخته اند که نشان از پتانسیل بالایی از توانایی این زنان خواننده دارد که هر چند هنوز در عرصه رسمی نتوانسته فعالیت جدی داشته باشند اما آرام آرام دارند فضای خویش را می سازند. بسیاری از کارشناسان و اساتید موسیقی بر این باورند که شاید اگر فضای مجازی نبود هرگز این همه خواننده نیز سر بر نمی آورد چرا که امید به گشایش روزی همین قدر محدود هم وجود نداشت و همان گونه که در تجربه چهل و اندی سال گذشته هزاران زن به کلاس های آواز رفته اند و خوب تعلیم دیده اند اما تا پیش از وجود شبکه های مجازی نه در جایی اجرایی داشته اند و نه ردی از آموخته های آنان باقی مانده است. بسیاری از فعالان شبکه های مجازی هنوز به عرصه رسمی پای نگذاشته اند

تا به صورت جدی صدای آنها محک عیار بخورد اما همین قدر که توانسته اند در پستوهای مجازی فعال باشند نشان از حضور نسلی دیگر می دهد. اسفندماه سال ۱۳۷۶ تا آذر و وحدت کنسرت «از نو» به سرپرستی حسین علیزاده به همراه دو خواننده زن و یک همخوان مرد برگزار شد، راز نو که اسمش نیز خیر از نو گزایی آهنگساز با تجربه می داد بعد از انقلاب ۵۷ اجرای نویی محسوب می شد فارغ از سبک و شیوه آهنگسازی؛ چرا که اولین اجرایی بود که در آن زنان خواننده کنسرت بودند. افسانه ربی و تابی و هما نیک نام، تا آن روز که از زمان ممنوعیت صدای زنان نزدیک به دو دهه می گذشت هیچ کنسرتی برگزار نشده بود که زن ها بتوانند به روی سن بیرون و آواز بخوانند البته به صورت رسمی برای آن بلیت فروشی صورت بگیرد. در این کنسرت مردان و زنان به تماشای اجرای همخوانی افسانه ربی و تابی و هما نیک نام نشسته که در کنارشان علی صمد پور نیز همخوانی می کرد هر چند حضور این

بر گزار کرد دختران رانیز در کلاسش پذیرفت و علاقه مندان تازه کار را به کلاس خانم مهر علی می فرستاد تا صدایشان را بسازد. و این گونه شد که بعد از زمان فراگیر شدن شبکه های مجازی همچون اینستاگرام دیگر خوانندگان پایه عرصه مجازی گذاشتند که در پیش اساتید خوب آموخته بودند. اکنون زنان بخش عمده های از فضای موسیقی را در شبکه های مجازی در دست دارند و در این فضا و موقعیت مجازی عقب ننشسته اند. اغلب آنها نوازندگان یا خوانندگان هستند که حالا در سنین جوانی تا میان سالی قرار دارند و آموخته ها و هنر خویش را با علاقه مندانشان به اشتراک می گذارند. دخترانی که اگر امکان شنیده شدن به صورت رسمی را داشتند شاید برخی از خوانندگان مرد هرگز اقبال عمومی گسترده ای نمی یافتند. این نظر نگارنده نیست بلکه سخنی است که حسین علیزاده، نوازنده پر آوازه تار و آهنگساز در نشست خبری جشنواره ملی موسیقی جوان چند دوره گذشته در برابر دوربین ها بر زبان آورد البته تأکید کرد که حتی صداهای نافرمانی شناسد که بهتر از خوانندگان شناخته شده مورد توجه خوانندگان بله صد ها خواننده بهتر از آنچه این روزها در فضای رسمی وجود دارد!

دخترانی که سال ها از استادان بزرگ و پسر آوازه آموخته اند و در خلوت خانه هایشان آموخته ها را بارها تمرین کرده اند و تنها برای اطرافیان خویش گاهی لب به آواز گشودند. آنها در همین فضای بسته آن قدر تمرین کرده و خوب فرا گرفته اند که برای هر شنونده ای در حد کیفیت کار آنها تحسین برانگیز است تا آنجا که حسین علیزاده کیفیت خوانندگی آنها را برتر از خوانندگان پر طرفدار امروز می داند و چون اغلب آنها در عرصه رسمی فعالیت ندارند و حتی تا همین ده سال پیش هم که فضای مجازی چنین امکاناتی را در اختیار آنها نمی گذارد خبری هم از آنها نبود و حتی اگر می خواستند هم با شرایط موجود توانایی عرضه محدود

اکنون زنان بخش عمده ای از فضای موسیقی را در شبکه های مجازی در دست دارند و در این فضا و موقعیت مجازی عقب ننشسته اند. اغلب آنها نوازندگان یا خوانندگان هستند که حالا در سنین جوانی تا میان سالی قرار دارند و آموخته ها و هنر خویش را با علاقه مندانشان به اشتراک می گذارند

کار خویش را هم نداشتند همین امر باعث تقویت آموخته های آنان شده است تا امروز با پتانسیل بالایی پایه عرصه فضای مجازی بگذارند. و اگر هنوز لحن آنها منحصر به خودشان است و کیفیتی در ارائه کارشان دارند به علت نداشتن فعالیت رسمی مداوم و تجاری نشدن آنهاست. در شب یلدایی که گذشت در فضای مجازی بالغ بر ده ها تنوع رنگ صوتی را شاهد بودیم که خبر از دنیایی متفاوت می داد. هر چند از آمار دقیق زنان خواننده اطلاع نیست اما در همین فضای مجازی می توان بیش از یک صد نفر را یافت که به شیوه های مختلف دستگاهی، پاپ، راک و... فعال اند.

البته اخبار جسته گریخته از کلاس های آواز بانوان و رویت آنان که نگارنده نیز سال ها یکی از هنر جوین بوده نشان می دهد که علاقه مندان به فراگیری بیش از این هاست و قاعدتاً در سال های پیش نیز چنین بوده و تعداد خوانندگان توانمند نیز بیش از همین تعدادی است که در صفحات مجازی کمابیش فعال اند البته منتقدین و کارشناسان موسیقی بر این باورند که تنها در صورت اجرای زنده رسمی در مقابل همگان است که عیار آنها می تواند محک بخورد و توانشان اثبات شود و گر نه فضای مجازی می تواند بسیاری از نقصان های آوازی را عیان نسازد و تصورات اشتباه به وجود بیاورد.

تجسمی

جایزه بزرگ فستیوال توکیو برای عکاس ایرانی



هاشم شاکری برنده جایزه بزرگ فستیوال PHOTOFESTIVAL TOKYO شد. به گزارش هنر آنلاین این فستیوال در نمایشگاهی با عنوان «تلاطم» آثاری از هنرمندان جهان را نمایش داد که به بررسی علل و اثرات تغییر آب و هوا و بحران آب پرداخته اند. هاشم شاکری نیز با پروژه عکاسی «مردیهای برای هامون» در این رویداد شرکت داشت.

شاکری در سال ۲۰۱۹ توانست برای عکس هایی که درباره هامون و روزگار تلخ این دریاچه تولید کرده است کم کم هزینه ۱۵ هزار دلاری شرکت گیتی ایمیجز را دریافت کند. این جایزه برای ادامه پروژه های مستند طولانی مدت، به هنرمندان اعطا می شود. شاکری در مجموعه «مردیهای برای مرگ هامون» به دلایل و تأثیرات خشک شدن دریاچه هامون در استان سیستان و بلوچستان پرداخته است.

هاشم شاکری متولد ۱۳۶۶ در تهران است. او در سال ۸۶ شروع به عکاسی کرد و فعالیت حرفه ای خود را در زمینه عکاسی مستند از سال ۸۹ آغاز کرد و در ایران، ترکیه، کره و مالزی به عکاسی پرداخت. شاکری به عنوان فتوژورنالیست برای آژانس های خبری مختلف در ایران نیز فعالیت کرده است. او در بیش از ۵۰ فستیوال ملی و بین المللی شرکت داشته و بیش از ۱۰ جایزه را از آن خود کرده است. او همچنین در زمینه ساخت فیلم های داستانی و مستند نیز فعالیت کرده است.

گردشگری

کارخانه قند از حریم چغازنبیل جابه جایی می شود



رژو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

چندی پیش خبر از ساخت کارخانه قند با نام چغازنبیل در حریم این اثر جهانی به گوش رسید؛ ساخت و سازی که در تعارض آشکار با ضوابط این میراث ارزشمند قرار داشت. با وجود اینکه حدود ۱۵ سال از تصویب ضوابط و نقشه عرصه و حریم چغازنبیل می گذرد و طبق آن انجام فعالیت هایی مانند خاکبرداری که تغییر شکلی در توپوگرافی تپه های تاریخی یا عوارض طبیعی در اطراف حریم آثار جهانی ممنوع است، اما هنوز خبرهایی از ساخت بناها و ساختمان هایی مانند کارخانه قند شنیده می شود که قسمتی از اراضی کارخانه قند در حریم درجه یک و قسمتی از آن در حریم درجه دو چغازنبیل است. در همین راستا استاندار خوزستان که بالاترین مقام اجرایی استان است دستور می دهد نسبت به جابه جایی محل احداث کارخانه قند و خروج از حریم چغازنبیل صادر کرد و از آنجایی که محوطه جهانی چغازنبیل با پاسگاه های نیروی انتظامی و یگان حفاظت شهرستان فاصله دارد بر ایجاد مقر یگان حفاظت و پاسگاه ویژه میراث فرهنگی مستقل تأکید کرد.

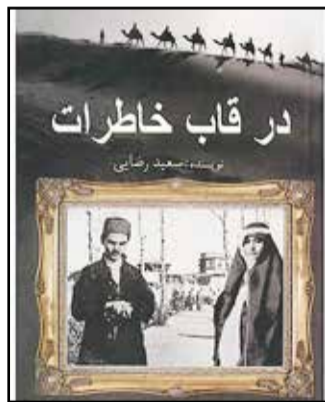
کتابخانه

کتاب امروز:

«در قاب خاطرات»

بینا نور بخش

قاب خاطرات» بخشی از رویدادهای عصر مشروطه را با واسطه قرار دادن عشق یک مرد جوان به دختری به نام شراره از منظر من روانی و به صورت خاطره نویسی روایت می کند. سعید رضایی نویسنده این کتاب که متولد سال ۱۳۳۶ است در صفحه نخست اثرش در یادداشتی آن را به قهرمانان مشروطه تقدیم می کند. قهرمانانی که با شجاعت و استقامت و نثار خون خود به این سرزمین فصل جدیدی را در تاریخ این مرز و بوم آغاز کردند. رضایی سپس داستان راز تابستان سال ۱۲۸۴ و محله جوزدان که یکی از محلات



قدیمی اصفهان و در نزدیکی دروازه تهران است آغاز می کند. در آن سال ها حکومت مرکزی

ایران در دست سلسله قاجار بود و مظفرالدین شاه بر تخت پادشاهی تکیه داشت. در داستان می خوانیم: «خبر ترور ناصرالدین شاه به دست میرزای کرمانی ایران را تکان داده و بسیاری که شم سیاسی قوی داشتند، می دانستند که تغییرات بزرگی در پیش است. در آن زمان ظل السلطان که خود در زمان ناصرالدین شاه ادعا می و بیعه می می کرد حاکم مطلق اصفهان بود و در کاخ چهل ستون بر تخت نشسته بود و برای خود پادشاهی می کرد.

ماموران او در همه جای شهر دیده می شدند و در هر کار و دخالت می کردند. داستان باجگیری ها و تجاوز عوامل و ماموران او به جان و مال و ناموس مردم داستانی تکراری برای مردم شهر شده بود». رضایی در واقع در این

بلا تکلیفی حریم تئاتر شهر، در ماه های پایانی دولت

احسان روبرو عالم

در حالی در روز خبری مبنی بر جلسه تعیین تکلیف حریم تئاتر شهر منتشر شده است که ویدئو مذکور هفته گذشته دوم دی ماه رخ داده است. فارغ از اینکه چرا چنین خبری با چنین تأخیری منتشر شده است، هم مسرت بخش است هم پاس آور. در جلسه مذکور شخصیت هایی چون محمد حسن طالبیان، معاون وزارت میراث فرهنگی؛ محمدرضا کارگر، مدیر کل امور موزه ها، پر هام افشسان، مدیر کل میراث فرهنگی استان تهران و جبرائیل نوکنده مدیر موزه ملی ایران باسیدمجبتی حسینی، معاون هنری وزارت فرهنگ و قادر آشنا، مدیر کل هنر های

نمایشی دیدار کرده اند. داستان حریم تئاتر شهر داستانی طولانی است از تجمع دست فروشان به عنوان بخشی از معضل پیاده و خیابان و لیعصر تا حضور مافوق و شان و شلیک اسلحه در پارک دانشجو، حریم تئاتر شهر هیچ سختی باساز به اشکوه چهارراه ولیعصر ندارد. دنیای درون آن چیز دیگری است و اطراف و انکاف چیزی دیگر. هر ساله بر سر تعیین حریم تئاتر شهر مباحث مختلفی صورت می گیرد، از ایجاد حصار تا خلق موانع نامرئی؛ اما مشکل زمانی حاد می شود که متولی حریم تئاتر شهر نه وزارت فرهنگ، که شهر داری تهران است و حاضر به کنار گیری از فضای مذکور هم نیست. در همین جلسه هر چند قادر آشنا، مذاکرات با شهر داری گفته؛ اما از نتیجه مذاکرات چیزی نمی گوید. بیشتر تئاتر شهر حصاری فیزیکی محصور بود؛ اما به گفته

گله دار زاده، رئیس تئاتر شهر «دو دهه پیش بنا به تصمیم مدیران شهرداری آن دوران بنا بر این شد تا حصار فیزیکی تعیین کننده حریم این مجموعه با محیط مجاور برداشته شود. شریاتی که به دلیل تغییرات اجتماعی به وجود آمده ماجرا را به سمت دیگری سوق داد که موجب بروز آسیب های فراوانی در این ناحیه شد»

در دیدن کاشی ها و آجرهای تئاتر شهر، آتش زدن بخشی از پوسته بیرونی، تجمع زباله و پارک موتورسیکلت تنها بخشی از این آسیب هاست. معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی در پایان دوران دولت وعده داده است براساس ابلاغ رسمی موضوع «عیان و عرصه» تئاتر شهر تعیین حریم شود و البته تأکید کرده است «واقعیت این است که حتما باید در این مکان حصار وجود داشته باشد. تئاتر شهر اکنون یک منطقه بحران زده است که باید با شهر داری تهران درباره بهسازی وضعیت موجود کار های مهمی انجام داد.» طالبیان حتی مدعی شده است «مجموعه تئاتر شهر یکی از



مهمترین زنجیره های معماری دوره مدرن کشورمان است که حتی قابلیت ثبت در فهرست جهانی یونسکو را دارد؛ ولی در میان خبر های خویش گفته است: «ما به دلیل محدودیت های قانونی قادر به حمایت های مالی برای مرمت مجموعه های تحت نظر دولت نیستیم.» به عبارتی در پایان دولت، شاید تعیین حریم تئاتر شهر منتهای حضور شهر داری، به معنای نشدن این موضوع باشد.